الغیبة شیخ طوسی؛ بین کلام و حدیث ـ علیرضا منفرد

فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حديث سفينه

سال چهاردهم، شماره 56 «ويژه کتابشناخت متون امامیه»، پاییز1396، ص 46-60

الغیبة شیخ طوسی؛ بین کلام و حدیث

علیرضا منفرد\*[1]

چکیده: در میان کتب شیعه، کتاب­های شیخ طوسی از جایگاه ویژه­ای برخوردار است. از جمله کتاب الغیبة. این کتاب از یک سو کتابی کلامی و از سوی دیگر کتابی حدیثی است. شیخ در این کتاب روایاتی را گرد آورده که امروزه غیر از طریق او در دسترس ما نیست. همچنین نوع نگارش مباحث کلامی شیخ در کنار نقل حدیثی، به گونه­ای است متفاوت با آنچه اساتید او سید مرتضی و شیخ مفید در عموم نوشته­های خویش داشتند. همة این­ها الغیبة را کتابی متمایز در میان آثار مکتب بغداد کرده است.

کلیدواژه­ها: الغیبة، شیخ طوسی، کلام، حدیث، مکتب بغداد.

مقدمه

ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، ملقب به «شیخ الطائفه» فقیه، محدّث، مفسّر و متکلم نامدار شیعه در قرن پنجم هجری قمری در سال 385 در خراسان متولد شد. و به سال 460 در نجف درگذشت.

شیخ طوسی و آثار او به دلایل متعددی از دیرباز مورد توجه محققین علوم دینی قرار داشته است. می­توان برخی از آن دلایل را به شرح زیر بر شمرد:

1. آثار سرآمد در حوزه­های مختلف دینی

آثار مختلف او در حوزه­های مختلف دینی سرآمد بود. چه در فقه و فقاهت که تا حدود یک قرن، یعنی تا زمان ابن ادریس حلّی (م598)، بزرگان علما همگی مقلّد او بوده فتوای جدیدی صادر نکردند.[2] در حدیث دو کتاب گران­سنگ «تهذیب» و «استبصار» او در شمار کتب اربعة شیعی جای گرفت، مضاف بر کتاب أمالی و احادیث فراوانی که از طریق سایر کتب او به دست ما رسیده است. در تفسیر نیز، «التبیان» او عنوان اولین کتاب جامع تفسیری شیعه را از آنِ خود کرده و می­توان آن را هم کتاب حدیثی دانست و هم کتاب علوم قرآنی. در کلام، کتاب «الغیبة» او -که موضوع این نوشتار است- و کتاب­های دیگری که خود از آن کتب در الفهرست خویش یاد کرده، مانند کتاب «هداية المسترشد و بصيرة المتعبد»[3] و کتاب «المفصح فی الإمامة» تلاش کلامی او را نشان می­دهد.[4] غیر از این­ها دو کتاب «رجال» و «الفهرست» او در شمار مهمترین منابع رجالی شیعه قرار دارد و در ادعیه کتاب «مصباح المتهجد» او در شمار معتبرترین مصادر است. تألیفاتی در حوزه­های مختلف دینی به ویژه در آغاز غیبت کبری و در دوره­ای که مرجعیت شیعه نوپاست و تنها دو فقیه معروف «شیخ مفید» و «سید مرتضی» را که هر دو از مشایخ وی می­باشند، تجربه کرده است، بر اهمیت و جایگاه او در میان علمای شیعه می­افزاید.

2. وراثت مدرسة بغداد و احیای مدرسه و مکتب قم

وی در سال­های واپسین عمر و دوران ثمره­دهی خویش، مؤسس مدرسه و حوزة علمیه نجف است که می­توان آن را به نوعی جمع بین دو مدرسة قم و بغداد دانست. بی­شک سهم فراوان مدرسة قم در حفظ میراث حدیثی شیعه غیر قابل انکار است. بزرگانی همچون صدوق و کلینی و آثار آن­ها در همة حوزه­های دینی اعم از کلامی و فقهی و تفسیری، صبغة حدیثی دارد که این رویکرد، در مدرسة بغداد پیش از طوسی یعنی بغداد شیخ مفید و بغداد سید مرتضی چندان ادامه نیافت، ولی عامل مهمی در حفظ تراث حدیثی شیعه شد. اما شیخ طوسی که پس از مفید و مرتضی بر مسند مرجعیت شیعه در بغداد تکیه زد، با توجه مضاعف به حدیث نسبت به مشایخ خویش، حال و هوای مدرسة قم را در بغداد احیا کرده و با آثار خود، حفظ میراث حدیثی شیعه را استوار نمود. با این وجود، توجه به مبانی عقلی در مباحث کلامی و همچنین توجه اصولی در مباحث فقهی، که ثمرة مرجعیت بغداد بود، در آثار وی نیازی به تبیین نداشته و به وفور یافت می­شود. از این رو می­توان او را فرزند دو مدرسة قم و بغداد دانست که در نهایت در نجف مستقر شد.

3. حکومت شیعی آل بویه

از سال 320 که آغاز فرمانروایی آل بویه در سرزمین­های فارس و سپس عراق است، عرصه برای یکه­تازی عباسیان تنگ­تر شد و فضای گسترده­ای پیش روی بزرگان علمای بغداد در گسترش مبانی فکری شیعی فراهم گشت. این داستان تا سال 448 - یعنی همان سالی که کتابخانة شیخ توسط ترکان حنفی مذهب سلجوقی آتش گرفت، و وی مجبور به مهاجرت به نجف شد- ادامه داشت. مشابه این بستر، سال­ها بعد در دورة صفویه، برای علامه مجلسی و علمای متأخر آن عصر به وجود آمد. می­توان شباهت­هایی را میان این دو دوره برشمرد که از حوصلة این نوشتار خارج است.

4. دسترسی به منابع دست اول

پیش از قدرت یافتن ترکان سلجوقی و آتش­سوزی در کتابخانة شاهپور، این کتابخانه که توسط دیلمیان تأسیس گشته بود، پر بود از کتب متعددی که شامل اصول أربعمائه و سایر مؤلَّفات و نوشته­جات پیشنیان شیعه و غیرشیعه بود. منابعی که شیخ به آن دسترسی داشته است، امروزه به دلایل متعددی بیشترِ آنها در دسترس نیست. شیخ خود نیز کتابخانه­ای بزرگ داشت که میراث سید مرتضی و پیش از او مفید بود. آن کتابخانه نیز در آتش حملات سلجوقیان از بین رفت.

بررسی کتاب الغیبة

در میان آثار شیخ طوسی، کتاب «الغیبة» ویژگی­های خاصی دارد که آن را از دیگر آثار متمایز کرده است. کتاب وی هم در شمار کتب حدیثی قرار دارد و هم در شمار کتب کلامی. از این رو از هر دو منظر به شکل مستقل قابل بررسی است.

بررسی حدیث شناسانة کتاب

شیخ الطائفه در «الغیبة» قریب به 500 روایت آورده است. برخی از روایات تکرار شده و برخی از آن تقطیع­هایی از یک روایت دیگر است. اما مجموع روایات تکراری از20 عنوان تجاوز نمی­کند. حدود 30 حدیث نیز، سخنی از غیرمعصوم است و دلالتی بر تقریر یا فعل معصوم ندارد، بلکه یا شرح واقعه­ای تاریخی در دوران غیبت صغری یا پیش از آن، یا شرح حال وکیل یا یکی از اصحاب معصومین است.

آن چه اهمیت الغیبة را بسیار بالا می­برد حدود 335 حدیث است که نمی­توان آن را در منابع پیش از او یافت. این عدد گویای آن است که الغیبة کاملاً می­تواند به عنوان یک منبع حدیثی دست اول به شمار آید.

به همین دلیل است، که علامة مجلسی «الغیبة» را از مصادر بحار دانسته و بیش از 385 حدیث را از الغیبة نقل کرده که در اکثر موارد (حدود 350 مورد) نام «الغیبة» را در ابتدای اسناد خویش ذکر کرده است.

در میان احادیث این کتاب، حدود 50 حدیث، مسندا از کلینی نقل شده که می­توان آن را در الکافی یافت. حدود 25 حدیث دیگر نیز مسندا از کتب شیخ صدوق مخصوصاً کمال الدین آورده شده است. شیخ در موارد انگشت شماری هم به الغیبة نعمانی، کشی، کتاب سلیم بن قیس هلالی و... ارجاع داده که عدد مجموع آنان از تعداد انگشتان دست­ها فراتر نخواهد رفت.

در میان سایر احادیث الغیبة می­توان حداکثر تا 80 حدیث را یافت که شیخ به سند خویش نقل کرده، اما مشابه این حدیث را محدثان پیش از طوسی در کتبی که به ما رسیده است، نقل کرده­اند.

بدین سان حدود 67 درصد احادیث منقوله در «الغیبة» در کتب پیش از او که به ما رسیده است، یافت نمی­شود، حدود 14 درصد از این احادیث، با اختلافی اندک، یا با اسنادی متفاوت در کتب پیش از او که به ما رسیده است، یافت می­شود. و حدود 20 درصد از احادیث این کتاب، تکرار احادیثی است که اکنون در سایر منابع در دسترس است.

این مطلب را از طریق دیگری نیز می­توان دریافت. با احتساب منقولات علامه مجلسی در بحار، در می­یابیم که وی بیش از 80% کتاب الغیبة را در بحار ذکر کرده است.

با بررسی اسانید احادیثی که شیخ در کتابش نقل نموده، در می­یابیم که شیخ از کتاب­هایی نقل کرده که در روزگار او موجود بوده و امروزه به دست ما نرسیده است. بارزترین نمونة آن کتاب فضل بن شاذان نیشابوری است. فضل – بنابر آن چه نجاشی و خود طوسی در فهرست­هایشان تصریح کرده­اند– کتب فراوانی داشته که حداقل سه کتاب او پیرامون موضوع مهدویت با عنوان «کتاب القائم7» و «کتاب الملاحم» و «کتاب اثبات الرجعة» است که متأسفانه امروزه در دسترس ما نیست، البته احتمال فراوانی وجود دارد که اکثر روایات نقل شده در آن کتاب، توسط جامع­نویسان قرن بعد جمع شده باشد که در نتیجه امروزه در دسترس است. این کتاب­ها مخصوصاً کتاب سوم در دسترس شیخ الطائفه بوده، همان که برخی از آن به عنوان «کتاب الغیبة» فضل بن شاذان یاد می­کنند.

نمونه­ای دیگر، کتاب یعقوب بن نعیم است که شیخ تعداد انگشت شماری حدیث از او نقل کرده. این کتاب با توجه به توصیف نجاشی از آن که در شرح وی گفته، پیرامون امامت است. همچنین شواهد پیداست که شیخ از تلعکبری نیز کتابی در همین موضوع در اختیار داشته است.

البته همة احادیثی که شیخ در این کتاب آورده مسند نیست. احادیث آن در مواردی مرفوع و گاهی مرسل است. اما این، روال غالب بر کتاب نیست. چنانکه از راویان اهل سنت نیز در موارد اندکی بهره برده و مثلاً از ابوهریره نیز در صورت لزوم حدیث آورده است.

بررسی محتوای حدیثی - کلامی «الغیبة»

کتاب مشتمل بر هشت فصل است. با بررسی هر یک از فصول این کتاب و مطالب کلامی و حدیثی که شیخ آورده، نکات قابل توجهی قابل انتاج است.

فصل اول: فصل في الکلام في الغیبة

شیخ در این فصل، مباحث کلامی فراوانی پیرامون اثبات وجود امام زمان در دوران غیبت مطرح می­کند. وی ادله مخالفین را دو قسم بیان می­دارد: یک قسم منکران اصل امامت و دیگری فِرَق غیر امامی شیعه. سپس بعد از بحثی طولانی در اثبات امامت، به تحلیل آرا و نظرات هر یک از فرَق پرداخته و از این دو رهگذر، غیبت امام زمان را اثبات می­کند.

وی در این فصل تنها در رد واقفیه 22 روایت نقل می­کند و در نهایت می­گوید که احادیث دالّ بر امامت امام علی بن موسی الرضا7 بیش از این است و ما به همین مقدار اکتفا می­کنیم. (الغیبة: 42) سپس چهل حدیث از احادیثی را که واقفیه بدان استدلال می­کنند، ذکر کرده و یک یک به تحلیل آن پرداخته است.

سپس ده حدیث در طعن علیّ بن حمزة بطائنی و سایر بزرگان واقفیه آورده و در پایان می­نویسد: «و الطعون على هذه الطائفة أكثر من أن تحصى لا نطول بذكرها الكتاب.‏» (الغیبة: 70)

سپس به بحث کلامی مفصلی در معنای غیبت می­پردازد و در خصوص مسألة معنای غیبت و دفع شبهات پیرامون آن ادله­ای کلامی مطرح می­کند. نکتة قابل تمجید در این بیانات کلامی، توجه شیخ به تک تک آراء موجود زمانة خویش است که از این فقرات، می­توان اطلاعات دقیقی از فرقه­های موجود در عصر شیخ به دست آورد، فرقه­هایی که امروزه اثری از بسیاری از آنها نیست.

سپس شیخ مطالبی دربارة اختصاص عدد دوازده برای تعداد ائمة اطهار آورده و پس از نقل بیست و چهار روایت کوتاه و بلند مسند در این خصوص نوشته است: «آن چه نقل کردیم گوشه­ای از روایاتی بود که در این زمینه صادر شده است و اگر می­خواستیم به وارد کردن این روایات بپردازیم، کار کتاب به درازا می­انجامید.» (الغیبة: 156) سپس در بحثی کلامی پیرامون این روایات، آنها را متواتر معنوی می­داند. در این جهت با استناد به نقل­هایی از کتب مخالفین تعداد ائمة اطهار را تثبیت می­کند.

شیخ بعد از همة این مقدمات، از صفحة 158 کتاب بحثش را به موضوع مهدویت اختصاص داده و از مسألة غیبت و صدور روایات فراوان در این زمینه قبل از ابتدای دوران غیبت، آغاز می­کند. وی پانزده روایت دال بر پیش­بینی غیبت نقل می­کند و باز هم می­نویسد: «و الأخبار فی هذا المعنى أكثر من أن تحصى. ذكرنا طرفا منها لئلا يطول به الكتاب.‏» (الغیبة: 173)

شیخ بعد از بیان این روایات به اختصار به دفع شبهات مقدّر پرداخته و تواتر معنوی را اثبات می­کند و احتمالات غلط را پاسخ می­دهد.

شیخ سپس چنین استدلال می­کند که همة امت متفقند که یک مهدی در این امت ظهور می­کند و دنیا را از عدل و داد سرشار می­سازد. او در تثبیت این مطلب نوزده روایت آورده، با اشاره به این که این­ها گوشه­ای از روایات پیرامون این باب است. سپس چنین استدلال می­کند که اگر اثبات شود این مهدی از فرزندان امام حسین7 است، ثابت می­شود که او فرزند امام حسن عسکری7 است، زیرا فرد دیگری نیست که چنین ادعایی داشته باشد. بنابر این شیخ پس از بیان روایات مربوط به اینکه مهدی از امت پیامبر است، ده حدیث آورده، به این مضمون که مهدی از فرزندان امیرالمؤمنین و از نسل امام حسین8 است.

او در این اثنا، اقوال چند گروه را می­آورد: کسانی که قائل به حیات و عدم شهادت امیرالمؤمنین هستند، معتقدان به امامت محمد بن حنفیه، ناووسیه، واقفیه، محمدیه، کسانی که امام حسن عسکری را قائم می­شناسند، کسانی که قائل به فترت بعد از امام عسکری هستند، کسانی که قائل به امامت جعفر کذاب هستند، کسانی که تصور می­کنند امام عسکری فرزندی نداشته است، کسانی که امامت را از امام عسکری به بعد منقطع می­دانند کسانی که تصور می­کنند امام زمان فرزندی دارد و ائمه را 13 نفر می­دانند. شیخ طوسی همه را با ادلة عقلی و نقلی رد می­کند. و به این ترتیب فصل اول پایان می­یابد.

51% از حجم این فصل، روایات و 49% از آنِ مباحث کلامی خود شیخ است.[5] همین مطلب به تنهایی می­رساند که این کتاب هم کلامی و هم حدیثی است.

حجم فصل اول -که سهم بزرگی از حجم کتاب را به خویش اختصاص داده- 48% حجم کل کتاب یعنی تقریبا نیمی از کتاب است.

فصل دوم: فصل الكلام في ولادة صاحب الزمان و إثباتها بالدليل و الأخبار

شیخ این فصل را -که حجم کمتری نسبت به فصل قبل دارد- با این بحث آغاز می­کند که اثبات ولادت امام زمان7 هم به دلیل عقلی و هم به دلیل نقلی، میسر است. وی بعد از شرح کوتاهی از دلیل عقلی بر ولادت امام زمان، 29 حدیث پیرامون این مسأله می­آورد که برخی از آنان، اسنادهای مختلف از یک روایت است.

فصل دوم غیر از نیم صفحة اول آن، فصلی کاملا حدیثی به شمار می­آید که حجم مطالب کلامی این فصل تنها حدود 3% است و 97% باقی مانده به احادیث اختصاص دارد. ضمن آن که فصل دوم تنها 5% از حجم کل کتاب را به خود اختصاص داده است.

فصل سوم: فصل أخبار بعض من رأى صاحب الزمان7 و هو لا يعرفه أو عرفه فيما بعد

شیخ این فصل حدیثی را با این عبارت تکراری شروع می­کند: «روایاتی که شامل کسانی می­شود که ایشان را دیده­اند، در حالی که ایشان را نمی­شناختند یا بعد از آن شناختند، بیش از آن است که قابل شمارش باشد، گرچه ما گوشه­ای از آن را ذکر می­کنیم.»

وی پس از این16 روایت نسبتاً مفصل در این باب نقل می­کند. حجم این فصل 7% از کل کتاب است.

فصل چهارم: فصل بعض معجزات الإمام المهدي7 و ما ظهر من جهته7 من التوقيعات على يدي سفرائه‏

شیخ در ابتدای این فصل، باز هم مطابق گذشته، به کثرت روایات موجود پیرامون این باب اشاره می­کند که تنها گوشه­ای از این روایات را بیان داشته است. وی می­نویسد: «و أما ظهور المعجزات الدالة على صحة إمامته فی زمان الغيبة فهی أكثر من أن تحصى غير أنا نذكر طرفا منها.» سپس شیخ 66 حدیث پیرامون معجزات امام زمان7 نقل می­کند.

این فصل نیز کاملا صبغة حدیثی دارد و جز نیم صفحه­ای در پایان که شاید حداکثر2% حجم فصل باشد، فاقد مباحث کلامی و کاملا حدیثی است. این فصل 11% از کل کتاب را شامل می­شود.

فصل پنجم: فصل فی ذكر العلة المانعة من ظهور الحجة7

شیخ در این فصل ابتدا علت مانعة ظهور را خوف از قتل می­داند، سپس بحث کلامی ارزشمندی پیرامون وجه عقلی آن و بُعد حکیمانة غیبت می­آورد و در تأیید مدعای خویش روایاتی بیان می­کند.

وی در میانة فصل توضیح می­دهد که چرا مسألة امتحان شیعیان که در برخی احادیث مطرح است، نمی­تواند علت مانعة ظهور باشد. سپس برخی از این دسته از احادیث را نیز نقل می­کند.

وی در این فصل پنجاه و پنج حدیث نقل کرده که 78% از حجم این فصل را شامل می­شود و 32% باقی مانده، مباحث کلامی شیخ است. این فصل کمتر از 3% از حجم کل کتاب را به خود اختصاص داده است.

فصل ششم: فصل سفراء الإمام المهدي7 و الظروف التي أحاطتهم في السفارة و ذكر أمور أخرى‏

وی در این فصل ابتدا به معرفی وکلای سایر ائمه: می­پردازد. ممدوحین از وکلای ائمه با معرفی تک تک آنان و روایاتی که در مدح آنان شرف صدور یافت در این فصل آمده است. این فصل به نوبة خود، علاوه بر مباحث کلامی و حدیثی، واجد محتوایی رجالی نیز هست.

شیخ طوسی، از حمران بن اعین شروع کرده و چهارده تن از سفرای معصومین قبل از امام زمان7 را به اسم شناسانده و حدیثی را که در خصوص آنان دلالت بر سفارت و وکالت آنان از جانب معصومین دارد، بیان می­کند.

سپس هفت تن از وکلای مذموم را معرفی کرده و تفصیل این مطلب را به سایر کتب ارجاع می­دهد. در جرح برخی از این افراد، حدیث نقل نموده و در جرح برخی دیگر، اشاره به حوادث تاریخی کرده است.

بعد از این به معرفی وکلای چهارگانة غیبت صغری یا همان نواب اربعه می­پردازد. برای سفیر اول عثمان بن سعید عمروی6 روایت، ذیل سفیر دوم محمد بن عثمان 10 روایت، ذیل سفیر سوم حسین بن روح نوبختی 23 روایت و در نهایت ذیل سفیر چهارم علی بن محمد سمری 6 حدیث نقل می­کند.

پس از این به مدّعیان دروغین بابیت یا سفارت می­پردازد و هفت تن را نام می­برد که حسین بن منصور حلاج در شمار این افراد قرار دارد. شیخ ذیل هر کدام حکایتی را که ناظر به ادعای آنان و یا اثبات کذب آنان است، بیان می­دارد، بعد از این شیخ توقیعاتی در مدح 4 نفر دیگر غیر از سفرا می­آورد.

این فصل 95 حدیث در بردارد، ولی برخی از آنها در تعریف حدیث یعنی حاکی بودن قول یا فعل یا تقریر معصوم، نمی­گنجد، زیرا برخی از آنها نقلی از راویان پیرامون احوال شخصی غیر معصوم است.

این فصل که صبغة حدیثی -کلامی- رجالی دارد، بعد از فصل اول حجم بیشتری داشته و 17% از کل کتاب را شامل می­شود. و سرشار است از نکات ریز و درشت درخور توجهی از تاریخ عصر قبل از شیخ که به دلیل قرب شیخ به آن زمان، می­تواند دلالت­های تاریخی مهمی در برداشته باشد.

فصل هفتم: فصل ذكر بعض الشبهات حول الإمام المهدي7

این فصل یکی دیگر از اهداف مهم شیخ در نگارش کتاب، یعنی بر طرف کردن تزلزل­های موجود میان شیعیان پیرامون امامت صاحب الزمان در دوران ابتدایی غیبت کبری را بیان می­دارد. شیخ در این فصل پنج شبهه از شبهات پیرامون امام زمان7 را مطرح کرده و به آنها پاسخ می­دهد:

1- مسألة طول عمر امام زمان است. بحثی کلامی با پنج روایت

2- نقد و بررسی اخباری به این مضمون که امام زمان7 خواهد مُرد و سپس زنده خواهد شد، یا این که کشته خواهد شد. هفت روایت در پاسخ به این مطلب.

3- مشخص نبودن زمان ظهور. 10 روایت.

4- روایاتی که زمان­هایی برای ظهور مشخص کرده­اند و این که این زمان­ها قابل جایجایی است و توضیح مسألة بداء. مباحثی کلامی و چهار حدیث.

5- برخی از علامات پیش از ظهور. شصت و دو روایت بدون بیان یا توضیحی پیرامون آن­ها.

در مجموع، حدود 90% محتوای این فصل، حدیثی است و این فصل حدود 7% از کل کتاب را در برگرفته است.

فصل هشتم: فصل في ذكر طرف من صفاته و منازله و سيرته7

فصل هشتم کتاب شیخ بی­هیچ مقدمه­ای با احادیث آغاز شده و شیخ تا پایان کتاب، به بیان روایاتی پیرامون امام زمان7 و صفات و ویژگی­ها و جایگاه ایشان پرداخته است.

در این فصل 23 حدیث نقل شده و حجم این فصل نسبت به کل کتاب کمتر از 2% است.

جمع­بندی

در مجموع، حدود یک چهارم (26.3%) کتاب الغیبة شیخ طوسی اختصاص به مباحث کلامی شیخ داشته و سه چهارم باقی مانده اختصاص به نقل احادیث دارد. این از یک سوی، اهتمام شیخ به احادیث در طرح مسائل کلامی، و از سوی دیگر، اهمیت این کتاب در هر دو بعد حدیثی و کلامی را نشان می­دهد.

از ویژگی­های فراگیر کتاب، این است که شیخ در بیشتر مواقع، هنگامی که به بیان روایات پرداخته، طرح مباحث کلامی و یا فقه الحدیثی را کنار گذاشته و مباحث کلامی را قبل از نقل احادیث می­آورد. لذا کتاب در قسمت­های حدیثی، مانند کتاب کافی، بدون بیان و شرح ذیل هر روایت می­باشد.

همچنین وی در موارد فراوانی پس از بیان چند روایت در موضوع، به کثرت روایات در آن مورد اشاره می­کند. این نشان می­دهد که انگیزة شیخ در نگارش کتاب، صرفاً دفع شبهات بوده، نه استقصای روایات. لذا در بیان ادلة روایی به حداقل مورد نیاز خود اکتفا کرده است.

الغیبة کتابی کلامی حدیثی است که صبغة حدیثی آن بیشتر است. امروز این کتاب، قدیمی­ترین منبع ما برای بسیاری از احادیث است.

منابع

1. ابن أبي زينب، محمد بن ابراهيم‏، الغيبة، تهران: نشر صدوق، 1397ق.

2. ابن بابويه، محمد بن على‏، الخصال‏، قم: نسیم کوثر، 1382 ش.

3. \_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_، إعتقادات الإمامي، تهران: اسلامیة، 1371 ش.

4.\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_، الأمالي‏، تهران: کتابچی، 1376.

5.\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_‏، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال‏، تهران: ارمغان طوبی، 1382.

6.\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_‏، عيون أخبار الرضا7‏، تهران: دار الکتب الإسلامیة، بی­تا.

7.‏\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_‏، كمال الدين و تمام النعمة، قم: دار الحدیث، 1395ق

8.\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_‏، معاني الأخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم‏، 1403ق.

9. الطوسى، محمد بن الحسن‏، الإستبصار فيما اختلف من الأخبار، تهران: دار الکتب الإسلامية، 1390ق

10. \_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_ ، الغیبة، قم: دار المعارف الإسلامیة، اول، 1411 ق.

11. \_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_ ، الفهرست.

12. \_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_‏، رجال الطوسي‏، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم المقدسه‏، 1373ش.

13. برقى، احمد بن محمد، رجال البرقي- الطبقات‏، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 132ش، اول.

14. جبرئیلی، محمد صفر، سیر تطور کلام شیعه، تهران: هنگام، 1394ش.

15. خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، قم: معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، اول، 1372ش.

16. فقهی زاده، عبدالهادی، علامه مجلسی و بحار الأنوار، تهران: مؤسسه بوستان کتاب، 1389ش.

17. فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنّفين و أصحاب الأصول‏، قم: ستاره، 1420ق.

18. كشى، محمد بن عمر، رجال الكشي- إختيار معرفة الرجال‏، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، 1409ق.

19. كلينى، محمد بن يعقوب بن اسحاق‏، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية، 1407ق.

20. مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى‏، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: ار إحیاء التراث العربی، 1403ق، دوم.

21. مفيد، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله على العباد، قم: کنگره شیخ مفید، 1413ق.

22. نجاشي، احمد بن على‏، رجال النجاشي‏، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسين بقم المشرفه‏، 1365ش.

23. سایت noormags.ir.

24. نرم افزار جامع الأحادیث نور3.5.

\*. دانشجوی کارشناسی ارشد و عقائد دانشگاه قرآن و حدیث monfaredkia@yahoo.com

[2]. معجم رجال الحدیث، ج 15، ص 247.

2. الفهرست، 451.

3. الفهرست، 447.

1. درصدها بر مبنای شمارش کلمه به وسیله­ی نرم افزار انجام شده است.